



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

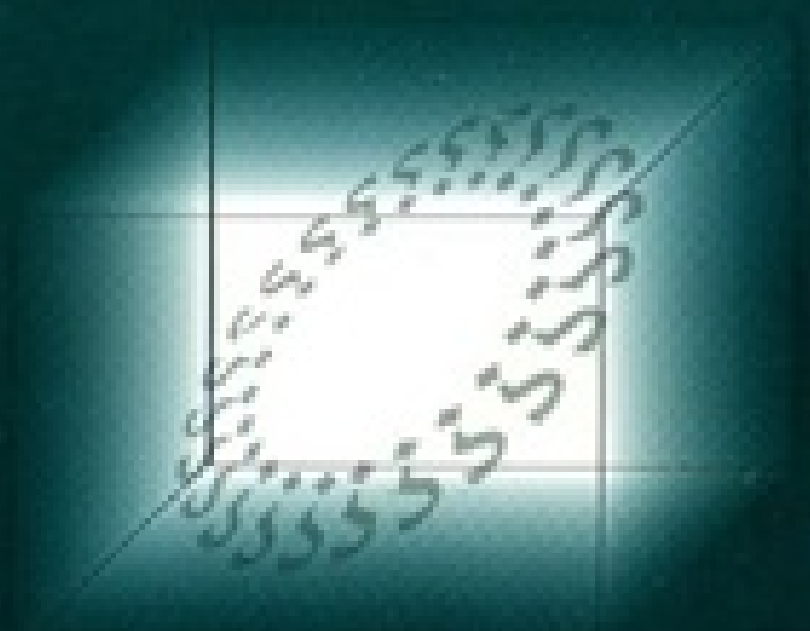


عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

وہابیہ

معمامی ایک ایڈولوشی ہے



گزارش تحقیقی کورٹین وینڈر
فرستادہ پیشین امریکا در خاور میانه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وهابیت معمای یک ایدئولوژی بسته

نویسنده:

مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	وهابیت معمای یک ایدئولوژی بسته
۶	مشخصات کتاب
۶	پیشگفتار
۹	سیر قدرت‌یابی وهابیت
۱۵	آموزه‌های سیاسی نو وهابیت
۱۹	صدور کینه و خصومت به اقصی نقاط جهان
۲۲	وهابیت در غرب
۲۸	علل مماشات و بی‌تحرکی آمریکا
۳۲	ترجیح وهابیت ستیزه جو بر شیعه مدارا طلب
۳۲	(خطاهای خسارت بار عصر بوش)
۳۹	درباره مرکز

وهابیت معماری یک ایدئولوژی بسته

مشخصات کتاب

نام کتاب: وهابیت معماری یک ایدئولوژی بسته

نویسنده: مرکز تحقیقات حج

موضوع: اعتقادات و پاسخ به شبهات

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

نوبت چاپ: ۱

ص: ۱

پیشگفتار

تاکنون آثار و اسناد فراوانی در باب ایدئولوژی وهابیت و سلفی‌هایی که امروز فرماندهی و بدنه تروریسم در خاورمیانه را در اختیار دارند منتشر شده اما اغلب این گزارش‌ها که متعلق به مراکز امنیتی و تحقیقاتی آمریکا است با یک نقص بزرگ روبه‌رو بوده است و آن این که ملا-حظه مراتب دوستی استراتژیک ریاض و کاخ سفید باعث شده پرسش‌های تاریخی در باب نحوه انتشار و انتقال جریان وهابیت از شبه جزیره عربستان به اقصی نقاط جهان و همین‌طور ابهام‌های مربوط به ظهور نسل جدید نووهابی یعنی طالبان و القاعده بی‌پاسخ بماند. شاید گزارش تحقیقی دیپلمات کهنه کار آمریکا در

MideastMonitor

از این جهت ارزشمند و شایان توجه است که مطالبی را به‌طور بی‌پروا در سه حوزه مهم:

۱- چگونگی قدرت‌یابی وهابیت،

۲- بهره‌برداری حکومتگران سعودی از ایدئولوژی و علمای وهابی و سلفی،

ص: ۲

۳- موارد تبانی ایالات متحده با سعودی ها، بازگو می کند که قاطبه کارشناسان و گزارشگران آمریکا از طرح آنها امتناع می ورزیدند.

گزارش کورتین وینزر از جهات دیگر نیز حائز اهمیت است. او به عنوان فرستاده ویژه آمریکا به خاورمیانه در دوره و حکومت ریگان شاهد عینی دوران شکل گیری یکی از پیمان های تاریخی میان ریاض و واشنگتن در دهه بوده است، پیمانی که در نهایت به ظهور طالبان و القاعده منجر شد و وهابیون با امضای دولتمردان وقت آمریکا اجازه یافتند در فراسوی مرزها به تسلیح و تجهیز جوانان کشورهای فقیر آفریقایی و آسیایی در جهت آرمان های ایدئولوژیک خویش مبادرت کنند.

وینزر در گزارش خود خطاب به مراکز امنیتی آمریکا که از موج تروریسم هوشمند جنگجویان سلفی کلافه و سردرگمند، نکات هشدار دهنده ای را در باب تشخیص های اشتباه بوش از جریانات اسلامی یادآوری می کند. او ضمن بیان انحراف های آئین وهابیت از اسلام و اعتقادات اصیل مسلمانان، نشان می دهد که چگونه این تشخیص های شتابزده و حساب نشده به نوشتن لیست نادرست از گروه های تروریستی در کاخ سفید و تقابل

ص: ۳

آمریکا با ایران شیعه منجر شد. نویسنده گزارش وهابیت به مثابه فاشیسم ایدئولوژیک در کارنامه خویش سابقه

ص: ۴

تصدی سفارت آمریکا در کاستاریکا در خلال سال‌های - را دارد. وی رئیس و مالک شرکت آمریکایی مارمت است و در هیأت مدیره چند سازمان سیاستگذاری عمومی از جمله مؤسسه ویلیام اچ دالر، مؤسسه اطلس در امور تحقیقات اقتصادی، مرکز تحقیقات رسانه و انستیتو هودسون کار می‌کند.

سیر قدرت‌یابی وهابیت

وهابیت، برگرفته از آموزه های محمد بن عبدالوهاب، چهره متعصب قرن هجدهم میلادی از اهالی نواحی مرکزی عربستان است. وهابی ها همچون اغلب جریان های رادیکال مذهبی از جمع بین قدرت دولت و ایدئولوژی و تز استقرار خلافت دفاع می‌کنند. (خلافت شکلی از حکومت است که برخی فرمانروایان وقت با ادعای جانشینی پیامبر ۹ در عصر گسترش جهان اسلام آن را اختیار کردند.)

آنچه وهابیت را از سایر جریان های دینی در جهان تسنن متمایز می سازد، اشتغال و تلاش وهابی ها به تصفیه و پاکسازی سایر فرق اسلامی از جمله، شیعیان، صوفیه و سایر نحله های مسلمانان است که تفسیر مخدوش و تحریف شده وهابیت از اسلام را نمی پذیرند. در سال، ابن عبدالوهاب با آل سعود پیمانی تاریخی

ص: ۵

بست و به اقدام‌های خود دایر بر حذف و نابودی سایر رقبای مذهبی و جبهه قانونی داد.

در مقابل، آل سعود هم از اقدام‌های متعصبان وهابی مبنی بر آنچه این فرقه پاکسازی زمین از لوٹ وجود «کافران» می‌خواند، پشتیبانی کرد.

در سال، جنگجویان وهابی و سعودی به عراق فعلی حمله کردند و کربلا شهر مقدس شیعیان را مورد غارت و چپاول قرار دادند که در نتیجه این تهاجم بیش از هزار نفر کشته شدند. سعودی‌ها پس از تصرف مکه و مدینه، قبور مقدس اولیای شیعه، نظیر جنات البقیع - که قبور تن از امام شیعه در آن واقع است - را با خاک یکسان کردند. با این ادعا که وجود مقبره «بدعت» و نماد بت پرستی است.

علمای وهابی به پاس حمایت و پشتیبانی خود از سلطه خانواده سلطنتی بر حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی، توانستند نظارت و کنترل نهادهای مذهبی و آموزشی دولتی را به دست گیرند و اجازه یافتند تا تفسیر خشک و سختگیرانه خود از شریعت اسلامی را به مورد اجرا بگذارند.

وهابیت تا دهه تا حد زیادی به شبه جزیره عربستان محدود می‌شد، اما در دهه که پادشاهی سعودی به اعضای تندروی جمعیت اخوان المسلمین که از

ص: ۶

آزار و شکنجه حکومت جمال عبدالناصر می‌گریختند، پناه داد، میان اصول عقیدتی بدوی اما جدا افتاده و منزوی وهابیت - یعنی ایدئولوژی رسمی سعودی - با تعالیم سلفی برخی مؤسسين اخوان المسلمین که حاکمان سکولار عرب را به مثابه کافران و اهداف مشروع جنگ مقدس و جهاد معرفی و محکوم می‌کرد، امتزاج و پیوندی حاصل شد. این ترکیب تازه در واقع تلفیق محافظه کاری فرهنگی و اجتماعی وهابیت و رادیکالیسم سیاسی اخوانی‌ها بود که موجب پدید آمدن گونه ستیزه جوی وهابیت شد که سرانجام القاعده از آن پدید آمد.

اصطلاحات نادرستی مانند فاشیسم اسلامی و فاشیسم مذهبی که برخی محافل غرب بارها به اشتباه از آنها برای اشاره به همه اشکال اسلامگرایی استفاده کرده‌اند، امروز نام‌های مناسبی برای وهابیت به نظر می‌رسند. امتناع فرقه وهابی از پذیرش حقوق فردی، تحقیر و تخفیف حقوق و شأن و منزلت زنان، بی‌اعتنایی به ارزش‌های واقعی و فطری حیات انسان و تشویق خشونت بر ضد حریفانش که آنها را کافر می‌نامد همگی از جمله مواردی است که در میان جنبش‌های اصولگرای اسلامی نظیر ندارد.

جیمز وولسی رئیس سابق سازمان CIA «سیا»، برای توصیف وهابیت از عبارت «توتالیتریانیسم تئوکراتیک» استفاده می‌کند، عبارتی که هم تمایل جریان وهابی به

ص: ۷

کسب قدرت در جزیی ترین شئون حیات روزمره مسلمانان و هم جاه طلبی های جهانی آن را برجسته می سازد. وی همچنین به این نکته اشاره می کند که مریدان فرقه وهابی با برافراشتن بیرق اسلام، منافع ملی، سیاسی و یا سرزمین خاصی را دنبال نمی کنند. با همین نگاه، ایمن الظواهری مرد شماره القاعده، با لحنی تند، گروه اسلامگرای فلسطینی حماس و جمعیت اخوان المسلمین مصر را به دلیل شرکت در انتخابات ملی محکوم کرد. درخلال دهه، روحانیون وهابی گسترش این آمیزه به اصطلاح انقلابی و بدوی عقیدتی را در سطح دانشگاه ها و مساجد سعودی ترویج کردند زیرا سعودی ها می پنداشتند که وهابیت به مثابه سد و مانعی در برابر تهدید ناشی از غربی شدن فرهنگ و چتر مصونیتی برای فساد ناشی از افزایش قیمت نفت که از دهه شروع شد، است. اشغال مسجدالحرام در مکه از سوی طلبه های تا بن دندان مسلح وهابی در سال زنگ خطر را برای سعودی ها به صدا در آورد. پس از این، خانواده سلطنتی در پی فرصتی بودند که در سایه آن، افراط گرایی فزاینده و رو به رشد ناشی از نسل تازه وهابیت را تغییر جهت دهند. تهاجم شوروی به افغانستان همان نقطه انحرافی بود که خاندان سلطنتی روی آن انگشت نهاد.

سعودی ها با همکاری و مساعدت سازمان اطلاعات و

ص: ۸

امنیت داخلی پاکستان (ISI) و سازمان CIA روی برنامه کمک به مجاهدین افغان به طور گسترده سرمایه گذاری کردند. در این راستا آنها به منظور نشر ادبیات و ایدئولوژی نو وهابی در اردوگاه‌های پراکنده و نامنظم پناهندگان افغان در پاکستان، از مدارس تندرو و افراطی حمایت مالی وسیع کردند. آنها همچنین، هزاران جهادگر داوطلب را از عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی برای جنگ، دوشادوش مجاهدین، به افغانستان گسیل کردند. این به اصطلاح «اعراب افغان» پس از عقب نشینی شوروی از افغانستان در سال در مناطق گسترده‌ای از جهان پراکنده شدند و به نام اسلام به مبارزه با حریفان‌شان که همچنان آنها را کافران می خوانند، ادامه دادند. در این مسیر واعظان ستیزه جوی وهابی نیز با آنها همراه شدند. در واقع این طیف- اعراب افغان- ستون فقرات القاعده را می‌سازند.

ستاد عملیاتی القاعده در ابتدا در بخش‌هایی از سودان لانه گزیده بود، اما در پی اشغال کابل توسط طالبان، به افغانستان کوچ کرد. طالبان نیروی افغان تازه‌ای بود که اعضای آن از مدارس وهابی جذب شده بودند و پاکستانی‌ها به آنها آموزش دادند. بر همین اساس غایت و

آرمان طالبان برپایی دولت الگو و نمونه وهابی در افغانستان بود.

ص: ۹

خاندان سعودی، در پاسخ به فشارهای زیاد واشنگتن تابعیت سعودی بن لادن را لغو کرد اما در زمینه مقابله با مؤسسه وهابی، در داخل و خارج از کشور، که اغلب در پوشش نهادهای خیریه فعالیت داشتند، اقدام چندانی به عمل نیاورد. این در حالی بود که تهاجم ایدئولوژیک وهابیت در سراسر جهان متکی بر کمک های نقدی و پشتیبانی مالی حکومت سعودی بود و پول القاعده از طریق همین مؤسسه های خیریه جمع آوری می شد.

بسیاری عقیده دارند که اسامه بن لادن با شاهزاده ترکی الفیصل - که در زمان راه اندازی اعراب افغان و تأسیس طالبان، ریاست نهاد قدرتمند سازمان اطلاعات و امنیت حکومت سعودی را در دست داشت - در اواسط دهه به یک توافق مهم رسیده است که به موجب آن توافق، القاعده پادشاهی را هدف حملات خود قرار نخواهد داد و پادشاهی سعودی هم مانع از جمع آوری و انتقال کمک مؤسسه های سعودی برای القاعده نخواهد شد و بن لادن را هم مسترد نخواهد کرد. شاید پیرو همین پیمان نامه تاریخی بود که القاعده پیش از سپتامبر، به کلی از انجام حملات به اهداف سعودی در عربستان خودداری کرد. اما پس از سپتامبر برای مدتی حکومت

سعودی تحت فشار واشنگتن، برنامه سرکوب سلول های مخفی القاعده در عربستان را آغاز کرد، حملات

ص: ۱۰

تروریستی و درگیری میان نیروهای پلیس سعودی و ستیزه جویان وهابی پس از ماه مه به طور نامنظم روی داده است. با این وجود به نظر می‌رسد که بیشتر گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده همچنان به همان «پیمان‌نامه تاریخی با ترکی الفیصل» احترام می‌گذارند زیرا صدها نفر از اعضای خاندان سلطنتی سعودی بدون واژه از به قتل رسیدن به سراسر نقاط جهان سفر می‌کنند. از نشانه‌های دیگر این بده بستان میان القاعده و سعودی‌ها این است که تروریست‌ها صنعت نفت حساس و آسیب پذیر این کشور را تنها یک بار هدف حملات قرار دادند. پادشاهی سعودی هم با وجود همکاری محدود با واشنگتن در زمینه کنترل منابع مالی تروریست‌ها، متقابلاً به تعهد خود مبنی بر گسترش وهابیت در داخل و خارج از کشور پایبند مانده است و این امکان را فراهم کرده که همچنان شمار فزاینده سربازان متعصب و مشتاق برای سازمان‌های تروریستی در خاک این کشور تربیت و تجهیز شوند.

آموزه‌های سیاسی نو وهابیت

افلاطون می‌گوید: "انسان نیازمند راهنمای مناسب و فطرت نیکوست، که با وجود آن در میان همه موجودات به فرهیخته‌ترین و ملکوتی‌ترین موجود تبدیل می‌شود. اگر به

ص: ۱۱

قدر کافی آموزش نبیند یا آموزش نا درست ببیند به وحشی‌ترین موجودات زمینی بدل خواهد شد." " برآورد می‌شود که بیشتر از یک سوم برنامه‌های آموزشی مدارس دولتی در عربستان سعودی به تعالیم وهابی اختصاص دارد. بخشی از متون درسی مدارس سعودی پس از سپتامبر در رسانه‌های آمریکا نقل شد که جنجال‌های زیادی را برانگیخت. مثلاً یک کتاب درسی به دانش‌آموزان کلاس این را القا می‌کند که روز داوری فرا نمی‌رسد مگر آن که مسلمانان با یهودیان جنگیده و آنها را بکشند. در حالی که در متن دیگر آمده: بر مسلمانان واجب است تا کافران را دشمنان خود بشمارند. حکومت سعودی که به دنبال این افشاگری‌ها آشفته و سردرگم بود، مدعی شد که بررسی و بازنگری برنامه‌های آموزشی مدارس کشور را در دستور کار قرار داده است و وعده داد که تمامی چنین متونی از کتاب‌های درسی حذف خواهند شد. با این وجود، سال گذشته فریدام هوز (Freedom House) گزارش جامعی درباره برنامه‌های آموزشی جدید عربستان منتشر کرد و در خاتمه چنین نتیجه‌گیری کرد که:

«اشاعه و تبلیغ ایدئولوژی نفرت و دشمنی نسبت به مذاهب و آئین‌های دیگر شامل مسیحیان، یهودیان،

ص: ۱۲

شیعیان، هندوها، صوفی‌ها و مسلمانان سنی که از آموزه‌ها و تعالیم وهابیت پیروی نمی‌کنند و بی‌ایمان و کافر تلقی می‌شوند، همچنان ادامه دارد.»

بعضی از تحلیلگران ارتباط میان تعالیم وهابیت و اقدامات وهابیون را رد می‌کنند، زیرا معتقدند صرف اعتقاد به آئین و مرامی به شدت محافظه کار و مخالف با تکثرگرایی لزوماً از کسی، یک انسان بی‌رحم نمی‌سازد. اما این دیدگاه و استدلال کاملاً بی‌پایه و مغالطه آمیز است زیرا اگر تنها یک درصد از میلیون دانش آموز سعودی تحت تأثیر تعالیم وهابی، به خشونت متوسل شوند، در این صورت هزار نیروی جنگجو پدید می‌آید. تعجبی ندارد که خود بن لادن هم در پیام صوتی آوریل دخالت خارجی‌ها در برنامه‌های آموزشی مدارس سعودی را محکوم کرد. علاوه بر این، روحانیون وهابی در عربستان سعودی که از به اصطلاح جهاد علیه دشمنان اسلام در خارج از کشور دفاع می‌کنند، از این تعالیم پشتیبانی می‌کنند. مخصوصاً تحریک به خشونت بر ضد شیعیان رایج و متداول است تا جایی که در دسامبر

سال، یک روحانی عالیرتبه نزدیک به خانواده سعودی به نام عبدالرحمن البراک، شیعیان را به عنوان فرقه ضاله، حتی خطرناکتر از یهودیان و مسیحیان محکوم کرد. در نوامبر سال، روحانی وهابی که بیشتر آنها

ص: ۱۳

اساتید مطالعات اسلامی در دانشگاه‌های مختلف کشور بودند و از حمایت مالی حکومت سعودی برخوردارند، فتوای جنگ بر ضد نیروهای آمریکایی در عراق را صادر کردند.

دو مقام سعودی در مصاحبه‌ای با رسانه‌های غربی این فتوا را محکوم کردند اما در مورد باز پس‌گیری فتوا مطلبی در رسانه‌های محلی به عربی منتشر نشد. چند ماه بعد، یک گروه مخالف با دولت سعودی نوار ویدئویی را منتشر کرد. صالح بن محمد اللحیدان ریاست شورای عالی قضایی عربستان سعودی در نوار ویدئویی به جوانان سعودی حاضر در مسجدی دولتی توصیه می‌کند که چطور به داخل خاک عراق رخنه کنند و با نیروهای ایالات متحده بجنگند، همچنین به آنها اطمینان می‌دهد که نیروهای امنیتی سعودی پس از بازگشت به کشور، آنها را مجازات نخواهد کرد. هرچند لحیدان آشکارا اظهارات خود را پس‌گرفت اما نوارهای ویدئویی روحانیون برجسته سعودی که مردم را به برپا کردن جنگ و شورش مقدس در عراق و نقاط دیگر تشویق می‌کنند، همچنان دست به دست می‌چرخد.

صدر کینه و خصومت به اقصی نقاط جهان

با وجود این که شهروندان سعودی همچنان به عنوان پیشتازان افراطگرایی مذهبی در سراسر جهان هستند، اما ساز و کار اشاعه و رشد ایدئولوژی وهابیت در خارج از عربستان قرار دارد. سعودی ها در طول دهه گذشته حداقل میلیارد دلار برای اشاعه و تبلیغ وهابیت در خارج از کشور هزینه کرده‌اند. و عقیده بر این است که با افزایش سرسام آور قیمت نفت در سال گذشته، میزان سرمایه گذاری سعودی ها در این زمینه باز هم افزایش یافته است. قسمت عمده‌ای از این سرمایه ها صرف ساخت و تأمین هزینه‌های اجرایی مساجد، مدارس و سایر مؤسسه‌های مذهبی می‌شود که وهابیت را تبلیغ و ترویج می‌کنند. همچنین حکومت سعودی از تربیت امامان جماعت وهابی، نفوذ و تسلط بر رسانه‌های گروهی، انتشار نشریات، توزیع کتاب‌های درسی و مجلات وهابی و اعطای هدایا و جوایز به دانشگاه‌های تحت نفوذ این فرقه حمایت می‌کند.

میزان سرمایه گذاری سعودی‌ها در ترویج وهابیت یک رقم افسانه‌ای است. حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و کمینترن آن، در مقایسه با سعودی‌ها تنها حدود میلیارد دلار برای تبلیغ ایدئولوژی کمونیسم در

ص: ۱۵

سراسر جهان در خلال سال‌های و هزینه کردند.

فقدان سلسله مراتب رسمی در سازمان روحانیت تسنن موجب می شود مؤسسات مذهبی اهل سنت در مواجهه با فعالیت های مبلغان وهابی که حالتی سازمان یافته و به شدت تشکیلاتی دارد، تضعیف شوند. بیشتر مسلمانان تسنن برای بهره مندی از ارشاد و راهنمایی مذهبی به امامان محلی خود تکیه دارند. این امامان و رهبران محلی اغلب کشورها به دلیل فقر حاکم ایستادگی در برابر نغمه ناموزون وهابیت را که با کمک های سعودی همراه است، دشوار می یابند. به عبارتی امامان معتدل تسنن منابع مالی قابل مقایسه‌ای در اختیار ندارند تا از آنها در مبارزه با گسترش وهابیت استفاده کنند. امروز یکی از قلمروهای مهم اشاعه وهابیت در جنوب و جنوب شرقی آسیا واقع است جایی که به لحاظ جمعیت اکثریت مسلمانان جهان در آنجا زندگی می کنند. وهابی ها در پاکستان، اندونزی، فیلیپین، مالزی و جنوب تایلند امامان روستاها و نواحی اطراف را انتخاب و یا با افراد دلخواهشان جایگزین کرده‌اند و موج تازه‌ای از نو وهابیون که پس از اقامت در عربستان سعودی در پوشش کارگر خارجی به کشور خود باز می گردند، بوجود آمده است.

فرزندان این نو وهابیون فقیر غالباً برای تحصیل به عربستان

ص: ۱۶

سعودی می‌روند و بسیاری از آنها پس از بازگشت به کشور به عنوان قربانی و سپر بلا- در جبهه‌های تروریستی و یا عملیات‌های انتحاری و هابیت مورد استفاده قرار می‌گیرند. حتی امروزه در هند و هابی‌ها تلاش‌هایی را آغاز کرده‌اند تا نه تنها بخشی از اقلیت بزرگ مسلمانان آن کشور بلکه حتی طبقه نجس‌ها (هاريجان‌ها) را هم جذب کنند.

با وجود این، در جمهوری‌های آسیای مرکزی، پس از دهه‌ها حکومت کمونیستی که موقعیت سازمان‌های سنتی اسلامی را تضعیف کرده بود، و هابیت هنوز نتوانسته در این کشورها پیشرفت چندانی پیدا کند. در این میان برخی از جمهوری‌های آسیای مرکزی بخصوص ازبک‌ها ناگزیر شده‌اند با قوای قهر، گروه‌های ستیزه‌جوی سلفی را سرکوب کنند. در این کشورها همچنین تلاش می‌شود که نظام‌های آموزشی مبتنی بر آیین حنفی که اسلام مدارا و صلح جو را تبلیغ می‌کنند، رواج یابد.

درسوی دیگر و هابی‌ها خطه آفریقا- و به‌خصوص سودان و نیجریه- را به منطقه مهم و کلیدی گسترش و هابیت مبدل کرده‌اند. در قاره سیاه حضور چند دولت شکست خورده و وجود شکاف قبیله‌ای بستری مناسب برای بهره‌برداری و سوء استفاده این جریان شده است.

عامل اصلی گسترش و هابیت در همه این مناطق مشابه

ص: ۱۷

است و آن ثروت قابل توجه و چشمگیر عربستان سعودی است که امکان ترویج جهانی وهابیت را فراهم می کند نه گرایش واقعی به تعالیم و آموزه های آن. مسلمانان میانه رو در سراسر نقاط جهان ارزیابی بشیر گوتار روزنامه نگار سومالیایی را بازگو می کنند که می نویسد:

«فرهنگ اسلامی ملهم از اسلام مدارا و رواداری در کشورش اینک از سوی تفسیر تازه‌ای از اسلام «که خود را به مردم ما تحمیل کرده است» یعنی وهابیت پس زده شده است به هر سو که نگاه کنیم نسخه ای بیگانه و تحریف شده از اسلام را می بینیم.»

وهابیت در غرب

سرمایه گذاری و ترویج وهابیت منحصر به جهان اسلام نمی باشد. سعودی‌ها بر روی ساخت هزاران مسجد، مدرسه و سایر مؤسسه‌های دینی در کشورهای غربی سرمایه گذاری کرده‌اند زیرا اقلیت‌های مسلمان در این کشورها در خلال سه دهه گذشته رشد سریعی داشته‌اند. مسأله نفوذ وهابیت در دولت‌های رفاه اجتماعی اروپای غربی جدی تر است، زیرا بیکاری گسترده شمار عظیمی از جوانان مسلمان را پدید آورده است که به بهای پامال شده اصول اولیه حقوق و منزلت انسانی خود به طفیلی دائمی وجود دولت بدل شده‌اند. وضع فوق سبب بروز

ص: ۱۸

احساس یأس در میان مهاجران می شود که از دید وهابیون مستعد عضوگیری های تروریستی می باشند. عاملان بمبگذاری تروریستی متروی لندن در سال بریتانیایی های پاکستانی الأصل بودند که در همان بریتانیا جذب تشکیلات تروریستی وهابیت شدند و در خلال چند دیدار از پاکستان با نحوه استفاده از مواد منفجره آشنا شدند. اقدام هلندی مراکشی تبار که تئودور وان گاف فیلمساز هلندی را در سال به قتل رساند هم محصول القاءات وهابی ها بود. توفیقات وهابیت در ایالات متحده کمتر بوده است زیرا در آمریکا بر خلاف اروپا، از انبوه جوانانی که در بدنه اجتماع جذب نشده اند خبری نیست. از طرفی قوانین اجتماعی ایالات متحده دیگر به جوانان امکان برخورداری از اوقات بیکاری به مدت طولانی که یارانه دولتی به آن تعلق بگیرد را نمی دهد و مهاجران (هم مسلمانان و هم غیرمسلمانان) مایلند به لحاظ شغلی از جایگاه با ثبات تری در جامعه آمریکا برخوردار شوند. با همه این ها، وهابیت در شماری از مؤسسات عمده و برجسته اسلامی ایالات متحده سرمایه گذاری فراوان کرده است.

فریدام هاوز در گزارش سال، در حدود

کتاب و آثار دیگر که با حمایت مالی عربستان سعودی در مسجد عمده و اصلی آمریکا، توزیع شده است را مورد

ص: ۱۹

بررسی قرار داده است. یک چنین کتاب هایی که مهور به مهر سفارت سعودی هستند و توسط مسجد ملک فهد در لس آنجلس توزیع شده اند حاوی دستورات زیر برای مسلمانان ساکن آمریکاست:

"با کافران قطع رابطه کنید، به خاطر دین شان از آنها بیزار باشید، آنها را تنها بگذارید، به کمک آنها وابسته نباشید، آنها را تحسین نکنید و از هر راهی مطابق با قوانین اسلامی با آنها مبارزه کنید. هر کس به کافران بر ضد مسلمانان یاری رساند، قطع نظر از نوع کمکی که به آنها می رساند، او خود کافر است. هرگز نخست به یهودیان و مسیحیان سلام نکن، هرگز اعیاد یک کافر را به وی تبریک نگو، هرگز کافری را به دوستی مگیر مگر آن که دوستی با وی موجب تغییر کیش وی شود، هرگز کافران را سرمشق خود قرار نده، هرگز برای کافر کاری انجام نده، ردای فارغ التحصیلی نبوش زیرا این کار تقلید از کافران است." با وجود آن که مؤسسات مذهبی که از پشتیبانی مالی حکومت سعودی برخوردارند، پس از سپتامبر تحت مراقبت بوده‌اند تا از دامن زدن به خشونت و یا حمایت علنی از آن اجتناب شود، اما آنها بی پروا و بدون هرگونه پشیمانی، سوء ظن و بدگمانی نسبت به غیر مسلمانان و تفکیک و جداسازی میان خود را ترویج می کنند. درواقع آنها، تلاش می کنند آن نوع شرایط

ص: ۲۰

اجتماعی را که تندروری و عضوگیری‌های تروریستی در اروپا را تشدید کرده است، در آمریکا تجدید کنند. دولت ایالات متحده مدت‌هاست که سازمان‌های مذهبی نظیر شورای مسلمانان آمریکا (AMC) که از حمایت مالی حکومت سعودی برخوردارند، را به منزله نمایندگان جامعه مسلمانان آمریکا قلمداد می‌کند. عبدالرحمن الموعودی بنیانگذار AMC در دوران زمامداری بوش و کلینتون بارها از کاخ سفید دیدار کرد. (وی اینک به‌خاطر دریافت غیر قانونی صدها هزار دلار از دولت لیبی در زندان است).

دسترسی گسترده سیاسی به مقامات این امکان را برای چنین گروه‌هایی فراهم ساخته است تا به زندان‌های آمریکا رخنه کنند. اداره زندان‌های ایالت متحده، به تأیید صلاحیت روحانیون و واعظین از سوی به اصطلاح دانشکده تحصیلات تکمیلی علوم اجتماعی و اسلامی (GSISS) سازمانی که از حمایت مالی حکومت سعودی برخوردار است، وابسته است. مثال روشن رخنه وهابی‌ها به نظام زندان‌های آمریکا، موضوع امام دین عمر، مدیر روحانی در اداره تعزیرات ایالت نیویورک است. عمر تازه مسلمان آمریکایی بود، که دیدار از عربستان سعودی به عمل آورد و در دانشکده تحصیلات تکمیلی علوم اجتماعی و اسلامی تحصیل کرد و کسانی را که وی به

ص: ۲۱

عنوان روحانیون و قاضی عسکر برگزید، به زندانی مسلمان در زندان های نیویورک دسترسی انحصاری و کم نظیری داشتند. طبق گفته جان اس پیستول، معاون وقت FBI در امور مبارزه با تروریسم، معلوم شد که عمر مانع از دسترسی زندانیان به کتاب های اسلامی غیر وهابی و یا مانع از دیدار با امامان غیر وهابی شده و با موعظه این که «باید از هواپیماربایان سپتامبر به عنوان شهدا و قهرمانان یاد کرد»، درصدد تحریک زندانیان بر ضد آمریکا برآمده است.

در حالی که شواهد اندکی وجود دارد مبنی بر این که القاعده در نظام زندان های آمریکا عضوگیری کرده باشد، قابل توجه است که خوزه پادیللا- (وی در سال در ارتباط با نقشه القاعده برای منفجر کردن یک «بمب کشیف» بمب آلوده به مواد رادیواکتیو در ایالات متحده بازداشت شد) نخستین بار زمانی که زندانی بود، اسلام وهابی را پذیرفت. درست همانطور که ریچارد رید در بریتانیا (این به اصطلاح «بمبگذار کفش» که مثلاً بمب را در کفش خود جاسازی کرده بود، در سال بازداشت شد) و ابومصعب الزرقاوی در اردن چنین راهی را پیمودند.

شورای امور کهنه سربازان و نیروهای مسلح مسلمانان آمریکا (شاخه ای از AMC) همراه با جامعه

ص: ۲۲

اسلامی آمریکای شمالی (ISNA) که از حمایت مالی عربستان سعودی برخوردارند، از حق انتخاب، آموزش و تأیید صلاحیت همه روحانیون و واعظین مسلمان برای خدمت در نیروهای مسلح ایالات متحده پشتیبانی می‌کند. گزارش شده است که عربستان سعودی امکان سفرهای رایگان به مکه، برای بیش از تن از پرسنل ارتش ایالات متحده، ظاهراً به منظور ادای فرایض حج شان را فراهم کرده است. الموعودی مقرر داشت مؤسسه علوم اسلامی و عربی (IIAS) که سازمانی در کنترل دولت سعودی است به شهروندان و سربازان آمریکایی آموزش‌های اسلامی لازم را بدهند تا وقتی که روحانیون و واعظین مسلمان در دسترس نیستند، امکان بهره‌مندی از ارشاد آنها فراهم شود.

روزنامه وال استریت ژورنال هم گزارش داد که نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر این که مدارس سعودی برداشت نابردبار و ضد غربی از اسلام را تبلیغ می‌کنند، برداشتی که تشکیلات مذهبی پادشاهی سعودی از آن پشتیبانی می‌کند. با وجود آن که سفیر عربستان سعودی

در واشنگتن سال گذشته گفت که حکومت متبوع وی با بررسی دقیق تمامی فعالیت‌های مبلغان در ایالات متحده موافقت می‌کند، روشن است که سعودی‌ها در وهله نخست نگران تبلیغات پر سر و صدا هستند، نه این که

ص: ۲۳

بخواهند از نفوذ و تسلط خود بر سازمان های اسلامی در آمریکا دست بردارند.

علل مماشات و بی‌تمرکی آمریکا

با وجود آن که، امنیت آمریکا با عمیق ترین تهدیدات از سوی جریان وهابیت و دنباله های آن یعنی القاعده و طالبان روبروست اما حکومت بوش تمایلی به اعمال فشار زیاد به سعودی‌ها برای توقف اشاعه وهابیت نشان نمی دهد. برای این مماشات دلایلی وجود دارد:

عامل اساسی و اول، وابستگی آمریکا به ذخایر فراوان نفت عربستان است که به سعودی ها امکان می دهد تا حتی میلیون بشکه نفت مازاد بر سهمیه خویش تولید کنند. این تولید مازاد «انرژی معادل با سلاح های هسته‌ای» نامیده شده است زیرا سعودی‌ها را در موقعیت بی‌سابقه و منحصر به فردی قرار می دهد تا به کمک این مازاد ظرفیت تولید، هرگونه اختلال و وقفه در جریان صدور نفت سایر تولید کنندگان را جبران کنند و مانع از افزایش بیش از

حد قیمت نفت شوند. این بزرگترین خدمتی است که عربستان در ازای پشتیبانی و محافظت ایالات متحده و سایر دول صنعتی انجام می دهد. با این حال به نظر می رسد این استدلال برخی تصمیم گیران آمریکا که برخورد علنی و قاطع با اشاعه نفرت دینی از سوی حکومت

ص: ۲۴

عربستان ممکن است پادشاهی سعودی را به اقدام متقابل و تلافی جویانه سوق دهد، استدلالی بی پایه و اساس است زیرا استفاده عربستان از سلاح نفت، هم جهان صنعتی را منزجر خواهد کرد هم رفاه نسبی که ضامن حفظ ثبات در عربستان است را به مخاطره می افکند.

باز برخی نویسندگان و سیاستمداران اظهار نگرانی کرده اند که سوق دادن خاندان سلطنتی به مبارزه با وهابی‌ها می تواند موجب حملات تروریستی به تأسیسات نفتی حساس و آسیب پذیر این کشور شود یا حتی به سرنگونی سلطنت بینجامد که این شق اخیر پیامد به مراتب بدتری به دنبال خواهد داشت. پیامدی از قبیل برپایی حکومتی در عربستان که منحصراً متعصبان مذهبی زمام امور آن را در دست دارند. در حالی که موارد فوق مخاطرات جدی به شمار می روند، باید به یاد داشت که تندروهای وهابی سلطنت و حوزه های نفتی آن را به مثابه گاز پلائی تلقی می کنند.

نکته حائز اهمیت این است که سعودی‌ها با جلوه

دادن خود به عنوان کشوری دوست برای غرب است که توانسته‌اند جواز گسترش تفسیر مخدوش و ابتدایی خود از اسلام را بگیرند. طرح فرضیه های ترسناک تحت عنوان عربستان بدون آل سعود موجب ایجاد این تصور یا برداشت

ص: ۲۵

نادرست می‌شود که گویی خانواده سلطنتی سعودی به طور ذاتی هوادار غرب است، در حالی که واقعیت غیر از این است. در میان کسانی که در شکل‌گیری این تصور از کاخ سعودی، در آمریکا نقش بسزا داشته‌اند باید از دیپلمات سرشناس این کشور، شاهزاده بندر بن سلطان یاد کرد. فردی که از سال تا میلادی در سمت سفیر عربستان در ایالات متحده کار می‌کرد و اکنون ریاست نهاد مهم شورای امنیت را در دست دارد. او در لاپوشانی واقعیت‌های مربوط به حکومت سعودی و فرقه وهابی نقش عمده‌ای ایفا کرده است. دیوید ایگناتیوس نویسنده واشنگتن پست درباره ترفندها و شگرد آفرینی‌های خاص وی می‌نویسد: بسیاری از رهبران و حتی رئیس‌جمهوران آمریکا فراموش می‌کنند که وی نماینده یک پادشاهی مرموز است. بندر نماینده واقعی حکومتی است که اگر تا به امروز به بقای خود ادامه داده به این خاطر

است که با روحانیون خشکه مقدس وهابی که آمریکا را تحقیر می‌کنند پیمان اتحاد بسته است.

همچنین بندر در رشد آنچه دانیل پاییز آن را فرهنگ زدوبند یا فساد دیپلماتیک می‌نامد بسیار تأثیر گذار بوده است. فرهنگی که قوه مجریه آمریکا را از برقراری روابط آینده‌نگرانه و بی‌طرفانه‌ای که سیاست

ص: ۲۶

خارجی ایالات متحده سخت به آن نیاز دارد، ناتوان می‌سازد. پاییز به «سندرم در چرخان» (Revolving door syndrome) اشاره می‌کند. این پدیده ای است که سیاستمداران و دیپلمات‌های ارشد که در سمت‌های اداری خود با عناصر سعودی مانند بندر ارتباط دارند، از آن حکایت‌های فراوان دارند. اغلب اوقات، آنها از مشاغل سودآور فرا حکومتی برخوردارند و در آن مشاغل به عنوان مشاور برای تاجران و شرکت‌های سعودی کار می‌کنند یا سازمان‌های غیر دولتی که سعودی‌ها در آن سرمایه گذاری کرده‌اند را اداره می‌کنند. آن طور که گزارش شده است «بندر» روزی این ایده خود را برای یکی از همکاران نزدیکش بازگو کرده است. او گفته: مرسوم است که سعودی‌ها از دوستان پس از کناره‌گیری از مناصب دولتی حمایت می‌کنند، اگر بدانید در بین آنها که بعداً سر کار می‌آیند چه دوستان بهتری پیدا می‌کنید، متعجب خواهید شد.

حکومت بوش که از مبارزه با گسترش فاشیسم وهابیت در کانون اصلی آن یعنی عربستان سعودی بی‌میل یا ناتوان بوده است در این وادی فقط به اشاعه و تبلیغ دموکراسی مبادرت نموده تا به زعم خویش عرصه را بر گسترش وهابیت تنگ سازد.

به هر حال به نظر می‌آید این شرایط تناقض آمیز

ص: ۲۷

همچنان ادامه خواهد یافت. بویژه برقراری نظام های با ثبات و عادلانه، در عراق و افغانستان که با افراط گرایی دینی مخالف باشند، مسأله دخالت آمریکا در این دو بحران، زمینه را برای عضوگیری و جذب نیرو از سوی وهابیت مهیا نگه خواهد داشت.

ترجیح وهابیت ستیزه جو بر شیعه مدارا طلب

(خطاهای خسارت بار عصر بوش)

عدم تمایل حکومت بوش به رویارویی با سعودی ها پس از سپتامبر، در آغاز با اعتراض های آتشین تحلیلگران لیبرال و محافظه کار روبرو شد، اما با کاهش تدریجی این اعتراضات، دولت آمریکا در تصمیمی عجیب سعودی ها را رها کرده و بر ایران شیعه و برنامه هسته ای آن متمرکز شد. در واقع با این حرکت، حکومت بوش در نظریه ای بی مبنا، تهدید ایران برای امنیت ملی آمریکا را به جای تهدید فاشیسم وهابیت نشانده. این جابه جایی تا آن حد صورت گرفته که کاخ سفید در عین اتخاذ یک سیاست سختگیرانه علیه ایران، رفتاری توأم با مدارا و انعطاف در قبال عربستان سعودی پیش گرفته است. با وجود نگرانی هایی که دولت آمریکا از برنامه

ص: ۲۸

اتمی ایران در محافل غرب ساخته است، اما بنابر چند عامل مهم می‌توان گفت که، در قیاس با وهابیت ستیزه جوی، ایران شیعه چندان تهدید محسوب نمی‌شود.

برخلاف دیپلماسی سعودی، همواره سیاست خارجی ایران بیشتر مبتنی بر ناسیونالیسم و منافع ملی این کشور بوده تا مبتنی بر اشاعه اسلام شیعه. از طرفی ایران شیعه، همه قواعد حاکمیت و اصول رایج دولت-ملت را محترم می‌شمارد اما روحانیون وهابی چنین نمی‌اندیشند. اینان ممکن است به منظور تبلیغ جهانی وهابیت، از خاندان سعودی به عنوان شر ضرور حمایت کنند، اما چیزی به نام ملت سعودی که دارای منافع مقدم بر برنامه‌های دینی‌شان باشد را به رسمیت نمی‌شناسند.

مورد ایران از جهات دیگر نیز مستثنی است. تمایلات فاشیستی وهابیت در اسلام‌گرایی شیعه به چشم نمی‌خورد. روحانیون ایران هیچ‌گاه مسلمانان غیر شیعه را به عنوان کافرانی که باید آنها را به‌طور منظم و

سیستماتیک از میان برداشت، قلمداد نمی‌کنند. از همین روست که در جهان تشیع، چشم انداز سلطه و تحمیل یک گفتمان مذهبی ایران آن‌طور که در بین وهابی‌ها وجود دارد به چشم نمی‌خورد. زیرا اسلام شیعه برخلاف اسلام سلفی دارای منطق سلسله‌مراتبی است. به‌طور مثال شیعیان عراق و لبنان با طیب خاطر پشتیبانی ایران را می‌پذیرند. در

ص: ۲۹

این جا از اجبار و تحمیل خبری نیست و همه شیعیان کشورهای مورد حمایت ایران، به تشکیلات مذهبی خودشان وفادار هستند. اشتباه بزرگتر در واشنگتن پذیرش این باور غالب است که روابط قوی با عربستان سعودی یک برگ امتیاز در دست کاخ سفید در مواجهه با ایران محسوب می شود. این در حالی است که بر خلاف این عقیده، حمایت ایالات متحده از سعودی‌ها ارتباط با ایران را دشوارتر می سازد. واشنگتن بر این واقعیت چشم می بندد که تیرنه سعودی‌ها از حوادث بیشمار تروریستی و امتناع حکومت بوش از مقصر دانستن رهبران سعودی به خاطر اقداماتشان دائر بر آشوب انگیزی و تحریک جنگجویان وهابی (که اغلب در عراق و پاکستان شیعیان را بیشتر از آمریکایی‌ها به قتل رسانده اند) دلیل اصلی نفرت عمیق از آمریکایی‌ها در جهان تشیع است. تعجبی ندارد که تظاهرات

مردمی عمده ای که پس از حملات سپتامبر بر ضد القاعده در جهان اسلام برگزار شد از سوی شیعیان برپا شده بود. (در تهران و کراچی)

جالب است بدانیم تشدید درگیری‌های اخیر میان ایالات متحده و ایران، موضع سعودی‌ها را در قبال عراق نسبت به گذشته انعطاف پذیرتر نکرده است. شاهد مدعا وجود گزارشاتی است مبنی بر این که حکومت سعودی

ص: ۳۰

تهدید کرده است در صورت عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق علناً به حمایت مالی از گروه های شورشی سلفی و مسلح ساختن آنها مبادرت خواهد کرد. در واقع سعودی‌ها این پیام را برای حکومت بوش می فرستند که از اجرای هر طرح آمریکایی مبنی بر واگذاری کنترل عراق به حکومت تحت تسلط شیعیان که به طور دموکراتیک زمام امور را در دست گرفته اند جلوگیری خواهند کرد در حالی که به شورشیان سلفی در عراق پیام می دهند که هر گونه تلاش آمریکا برای انجام یک مصالحه سیاسی را رد خواهند کرد و این که آنها را در رویارویی با پیامدها تنها نمی گذارند.

ایران، سابقه تهاجم مستقیم بر ضد همسایگان خود را ندارد و بر خلاف عراق دوره رژیم صدام حسین، ایرانی‌ها از سلاح‌های کشتار جمعی حتی در خلال جنگ علیه همسایگان یا بر ضد مردم خود استفاده نکرده‌اند.

قوی‌ترین استدلال در تأیید این نگرش به این نکته باز می‌گردد که ایران نیازمند شناسایی جایگاه واقعی خود به عنوان یک دولت ملی معتبر از نظر تاریخی در خاورمیانه است. ایران مدت‌هاست که خواهان آن است که قدرت منطقه ای عمده و برجسته مسلمانان در خاور میانه باشد و احتمالاً هم خواهد بود.

سرانجام واشنگتن مجبور است با این واقعیت روبرو

ص: ۳۱

شود که یافتن راه‌حل‌های قابل قبول دوطرفه برای برخورد با این واقعیت به جای دامن زدن به رویارویی کور با ایران-عادی سازی روابط با تهران- به نفع ایالات متحده خواهد بود. برقراری تماس بین ایالات متحده و ایران نه تنها نفوذ آمریکا بر سعودی‌ها را تا حد زیادی افزایش می‌دهد بلکه تهدید ناشی از تروریسم سلفی در عراق و تا حد کمتری در افغانستان را مهار خواهد کرد. مقامات سعودی از حکومت بوش مصرانه خواسته‌اند تا از انجام گفت و گو با ایران خودداری کند زیرا می‌دانند که کاهش تنش‌ها در روابط ایران و ایالات متحده توجهات را به صدور لجام گسیخته و مهار نشدنی وهابیت از سوی حکومت سعودی جلب خواهد کرد. کاهش وابستگی آمریکا به نفت عربستان سعودی باید بخشی از هر استراتژی فراگیر و همه جانبه ای باشد که به مسأله تهدید فاشیسم وهابیت می‌پردازد. اگر چه پرزیدنت بوش از تعهد خود مبنی بر توسعه منابع انرژی جایگزین شونده سخن گفته است اما مازاد ظرفیت تولید، به سعودی‌ها امکان می‌دهد تا قیمت‌ها را پائین نگه دارند. بنابراین ضروری است مطمئن باشیم که استفاده از منابع انرژی جایگزین شونده در دراز مدت مقرون به صرفه نمی‌باشد. به استثنای پیشرفت‌های اساسی در تکنولوژی‌های سوخت، پیش بینی خوش بینانه حاکی از آن است که

ص: ۳۲

سوختهای زیستی یعنی اتانول دیزل سنتتیک و نفت زیستی تا سال، درصد نیازهای نفتی ایالات متحده را تأمین خواهد کرد. در کوتاه مدت تا میان مدت تنها ذخیره سازی می تواند به میزان چشمگیری وابستگی نفتی آمریکا را رفع کند. افزون بر این، رویارویی با تهدید فاشیسم ایدئولوژیک وهابیت به همان استراتژی همه جانبه‌ای نیاز دارد که توانست با گسترش کمونسم در قرن بیستم مبارزه کند. در حالی که متمم قانون اساسی آمریکا بی تردید از حق انتقاد افراد از پلورالیسم، آزادی‌های فردی و سایر اصول متعارف و پذیرفته شده غربی حمایت می کند، هیچ موردی در قانون اساسی آمریکا وجود ندارد که از حق حکومت‌ها یا ملیت‌های خارجی برای اشاعه این پیام، درخاک آمریکا حمایت کند. همچون سایر نقاط جهان، از کشورهای فقیر مسلمان (بسیاری از این کشورها به کمک‌های اقتصادی حکومت سعودی یا پول‌هایی که کارگران آن کشورها در خلیج فارس برای خانواده‌های خود می‌فرستند، وابسته هستند.) هم نمی‌توان انتظار داشت از ریاض بخواهند عنان مبلغان مذهبی خود را در دست بگیرد. آنها از واشنگتن انتظار اعمال فشار بر حکومت سعودی را دارند. تردید نباید داشت که اگر چشمه جوشان دلارهای

ص: ۳۳

نفتی به روی وهابیت بسته شود در نبود میلیاردها دلار حمایت مالی عربستان سعودی، عمارت عقیدتی، سیاسی این فرقه شروع به ویران شدن خواهد کرد، به خصوص اگر حکومت بوش تلاش هماهنگی به منظور گسترش سازمان های میانه رو اسلامی را در دستور کار قرار دهد. (در این باره تحقیق تازه مؤسسه RAND بعضی راهکارهای خردمندانه را ارائه می کند.)

سرانجام این که، این مسأله تاکنون به طور عمیق پیگیری نشده است که، فقدان عزم جدی حکومت بوش در رویارویی با تهدید فاشیسم ایدئولوژیک وهابیت است که امنیت آمریکا را به مخاطره می اندازد نه فقدان راه های قابل اجرا و عملی در مبارزه با وهابیت. (۱)۱

۱- مرکز تحقیقات حج، وهابیت معمای یک ایدئولوژی بسته (گزارش تحقیقی کورتین وینزر فرستاده پیشین آمریکا در خاورمیانه)، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

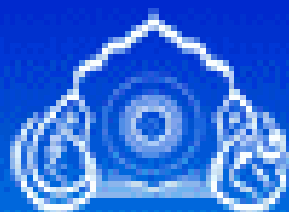
ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

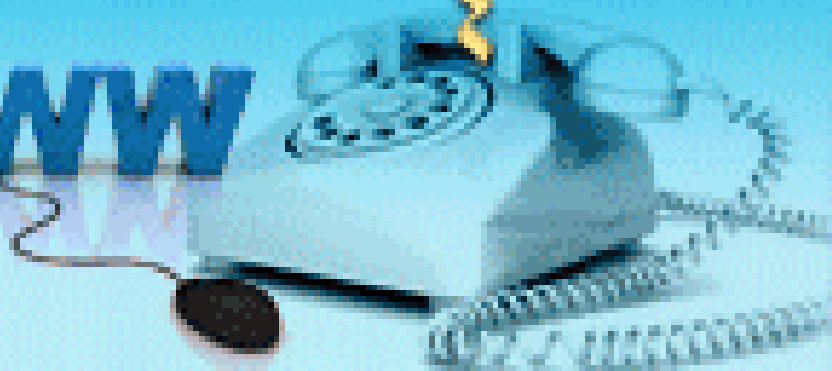


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

